

میانجیگری در ترجمه و انتشار ترجمه فارسی سرگذشت حاجی بابای اصفهانی*

اسماعیل حدادیان مقدم، پژوهشگر ارشد دانشگاه لوون - بلژیک
ترجمه مصطفی حسینی^۱، عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا - همدان

چکیده

گرچه در رشته مطالعات ترجمه به جامعه‌شناسی ترجمه و عوامل ترجمه و نقش مترجمان در ترجمه توجه زیادی می‌شود، پژوهش‌های بیشتری درباره افراد حقیقی مؤثر در تولید و توزیع و خوانش ترجمه، و همچنین عوامل تأثیرگذار بر این روابط بینابینی مورد نیاز است. این مقاله بر میانجیگری در ترجمه و انتشار رمان عیاری جیمز موریه، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی (۱۸۲۴)، به زبان فارسی می‌پردازد. نویسنده، با توجه به اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران در قرن نوزدهم، متن انگلیسی و فارسی این رمان را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد چگونه مترجم در تبعید، میرزا حبیب اصفهانی، با تصرف در متن، به میانجیگری در ترجمه می‌پردازد. تصرف مترجم در متن نشان می‌دهد که برای او پیشرفت سیاسی در ایران بیشتر از وفاداری به متن اصلی اهمیت داشته است. نویسنده میانجیگری عوامل دیگر ترجمه را نیز بررسی می‌کند: نخست، سرگردی انگلیسی که ترجمه فارسی را ویرایش و در کلکته منتشر کرد؛ و دوم، مخالفی سیاسی و کاتبی ایرانی که هرچند جانش را در گذر از مرز ایران و عثمانی از دست داد، تا بیش از نیم قرن بعد از مرگش، مترجم کتاب قلمداد می‌شد.

کلیدواژه‌ها: میانجیگری، عوامل ترجمه، ایران در قرن نوزدهم، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، نقل و انتقالات بین فرهنگی.

* Haddadian Moghaddam, Esmaeil. "Agency in the Translation and Production of *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan* into Persian." *Target* 23:2 (2011): 206-234.

نویسنده اصلی، ضمن ویرایش، برخی اصلاحات را در ترجمه اعمال کرده است تا خواندن مقاله برای خواننده فارسی‌زبان راحت‌تر باشد. (مترجم)

¹ E-mail: hosseiny.mostafa@gmail.com

۱. مقدمه

میرزا حبیب اصفهانی (میرزا)، شاعر و مترجم ایرانی، به اتهام هجو صدراعظم وقت، به اجبار، ایران آن زمان را در سال ۱۸۶۶ به مقصد استانبول ترک کرد.^۱ اگرچه او دیگر به ایران بازنگشت، ترجمه فارسی او از سرگذشت حاجی بابای اصفهانی که هنوز هم در بازار کتاب موجود است، نه تنها به کلکته و ایران، که به بحث‌های جدی درباره ترجمه و مترجم نیز راه یافت. این رمان اثر جیمز جاستینین موریه،^۲ دیپلمات زیرک انگلیسی، در سال ۱۸۲۴ در لندن و در همان سال در پاریس به زبان فرانسوی منتشر شد.^۳ ترجمه فارسی آن در سال ۱۹۰۵ در کلکته به چاپ رسید.^۴ ناشر فرانسوی و انگلیسی هیچ‌کدام نامی از نویسنده یا مترجم نبردند. ترجمه فارسی نیز به اشتباه به فرد دیگری نسبت داده شد. به راستی علت این همه اشتباه و سردرگمی چه بود؟

در این مقاله می‌کوشیم تاریخ این ترجمه فارسی را از منظر میانجیگری و عوامل ترجمه بازخوانی کنیم. بنابراین، توجه ویژه‌ای به نقش عوامل دخیل در ترجمه و انتشار ترجمه فارسی خواهیم داشت. نویسنده با عنایت به تحلیل خود از ترجمه، استدلال می‌کند که میرزا حبیب، مترجم فارسی، برای آنکه بتواند نقش میانجیگری خود را در تبعد ایفا کند، به گونه‌ای ترجمه می‌کند که به پیشرفت سیاسی بیش از وفاداری به متن اصلی در ترجمه اهمیت داده شود. همچنین، با عنایت به گفتمان‌های حاکم بر این رمان و ترجمه آن، حرکت دو متن انگلیسی و فارسی و عوامل ترجمه در آن را بررسی خواهیم کرد. این دو گفتمان حاکم، از یک سو ناظر بر بحث‌های استعمارگراییانه -

^۱ درباره این شعر میرزا که گفته می‌شود در آن محمدخان سپهسالار، صدراعظم ناصرالدین شاه، هجو شده است، هیچ اطلاعی در دست نیست. سعادت نوری (۱۳۴۵) گزارش جالب توجهی از صدراعظم به دست می‌دهد. میرزا چند خطی درباره خود در مقدمه‌ای بر دیوان منتشرنشده‌اش نوشته است. گفته می‌شود نسخه دست‌نویس این دیوان در کتابخانه دولتی بایزید در استانبول است. در بخشی از این مقدمه چنین آمده است: «در آنجا به افترای اینکه در حق سپهسالار محمدخان صدراعظم، هجو ساخته است، قصد گرفتن و اذیت وی نمودند.» (ر.ک. افشار ۱۳۳۹: ۴۹۲-۴۹۳).

^۲ James Justinian Morier

^۳ برای نسخه انگلیسی، ر.ک. موریه ۱۸۲۴a. برای نسخه فرانسوی ر.ک. موریه ۱۸۲۴c.

^۴ ر.ک. موریه ۱۸۲۴b و فیلات (۱۹۰۵) (Phyllott).

شرق‌شناسانه است و از سوی دیگر، ناظر بر توهمات انقلابی و ضد استعماری. به علاوه، با استفاده از تحلیل عوامل ترجمه در این مقاله، دو مفهوم عوامل ترجمه خطرپذیر و میانجیگری سیال، برای بسط بیشتر موضوع میانجیگری، پیشنهاد شده است.

۲. چارچوب نظری و روش تحقیق

توجه خاص به مترجمان، در تحقیقات رشتنه مطالعات ترجمه، از سال ۱۹۹۸ شروع شد؛ یعنی از زمانی که آنتونی پیم^۱ (Xi: ۱۹۹۸) چهار اصل را در تاریخ‌نگاری ترجمه پیشنهاد کرد. حرکت متون و مترجمان نیز از موضوعات مهمی هستند که در یکی دیگر از آثار متأخر پیم (۱۹۹۲) طرح شده است. پیم در آن اثر به وجود بین‌فرهنگ در میان مرزهای جغرافیایی اشاره می‌کند. دعوت اخیر پیم برای انسانی کردن تاریخ ترجمه نیز ما را ترغیب می‌کند تا رد پای بین‌فرهنگ‌های حرفه‌ای را بگیریم و به ترسیم شبکه‌های آنها پردازیم (۲۰۰۹: ۳۷). بی‌شک برای این کار، علاوه بر مترجمان، باید به عوامل دیگر ترجمه نیز توجه کنیم. از این رو، با عنایت به توجه روزافزون به جامعه‌شناسی ترجمه (از جمله ر.ک. وولف^۲ ۲۰۱۰)، چارچوب نظری این مقاله مُلهم از مطالعاتی است که به دو موضوع میانجیگری و عوامل ترجمه توجه دارند.

نخستین اثری که به موضوع عوامل ترجمه می‌پردازد مجموعه مقالاتی است ویراسته میلتن و بندیا با عنوان *عوامل ترجمه*^۳ (۲۰۰۹). این ویراستاران، تعریف شاتل‌وُرت و کویی^۴ (۱۹۹۷: ۳۲۱) را از عامل بسط می‌دهند و آن را این‌گونه تعریف می‌کنند: عامل ترجمه یعنی فردی که «میان مترجم و مشتری نهایی ترجمه، نقش میانجی را بازی کند» (همان جا). تعریف میلتن و بندیا گروه بزرگی از افراد و حتی گروه‌های فرهنگی و سیاسی را در بر می‌گیرد. این ویراستاران به موضوع تأثیرگذاری عوامل ترجمه نیز می‌پردازند و بین عوامل ترجمه‌ای که ترجمه آنها سبب نوآوری‌های سبکی شود، و آنانی که علاوه بر اینها، نقش فرهنگی و سیاسی در محیط پیرامونشان ایفا

^۱ Anthony Pym

^۲ Michaela Wolf

^۳ Milton & Bandia, *Translation Agents*

^۴ Shuttleworth & Cowie

می‌کنند، تفاوت قائل می‌شوند (۲). از این رو، منظور از عوامل ترجمه در این مقاله افرادی هستند که بین نسخه انگلیسی و ترجمه فارسی رمان موریه قرار می‌گیرند (ر.ک. بخش ۳).

در کتاب بالا (۱۹۱)، اوتی پالوپسکی^۱ از سه نوع میانجیگری صحبت می‌کند. البته وی این تقسیم‌بندی را از کایسا کوسکینن^۲ و تمایز او از سه نوع مرئی بودن مترجم (متنی و فرامتنی و برون‌متنی) قرض می‌گیرد. کوسکینن میانجیگری متنی را «صدای مترجم [...] و رد پای او [...] در متن می‌داند». میانجیگری فرامتنی همان «نقش مترجم در نوشتن و افزودن یادداشت و مقدمه» است و میانجیگری برون‌متنی به «انتخاب کتاب برای ترجمه، استفاده از ویرایش‌های مختلف و ترجمه‌های میانی [...]» می‌پردازد. مرز بین این تقسیم‌بندی‌ها کاملاً روشن نیست و گهگاه با هم تداخل دارند. همچنین، همان طور که در این مقاله نشان داده خواهد شد، تقسیم‌بندی پالوپسکی به انگیزه عوامل ترجمه توجه چندانی نمی‌کند. مثلاً نشان نمی‌دهد که عوامل ترجمه چگونه می‌توانند تنها نوعی خاص یا چند نوع مختلف و یا ترکیبی از چند نوع میانجیگری را عرضه کنند یا انتخاب کنند و یا به عمل درآورند.

ویراستاران کتاب میانجیگری مترجم در مقدمه خود این نکته را به روشنی بیان می‌کنند که مایل‌اند گامی فراتر از مفاهیم جامعه‌شناختی رایج پی‌یر بوردیو^۳ بردارند و به دنبال رویکردهایی بگردند که چه بسا «به گسترش دیدگاه ما از موضوع میانجیگری» کمک کند (کوسکینن و کینونن^۴ ۵).^۵ ویراستاران همچنین میانجیگری را «تمایل و

^۱ Outi Paloposki

^۲ Kaisa Koskinen

^۳ Pierre Bourdieu

^۴ Koskinen & Kinnunen

^۵ در بسیاری از آثاری که درباره ترجمه به‌مثابه کنشی اجتماعی بحث می‌کنند، به پی‌یر بوردیو (۱۹۳۰-۲۰۰۲) و مفاهیم او اشاره شده است. این موضوع به‌ویژه از زمان انتشار ویژه‌نامه مترجم (نشریه انگلیسی انتشارات سنت‌جروم) در سال ۲۰۰۵، سال ۱۱، شماره ۲، با عنوان «بوردیو و جامعه‌شناسی ترجمه کتبی و شفاهی» دنبال شده است. دو اثری که به بررسی انتقادی این رویکرد می‌پردازند عبارت‌اند از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی ترجمه (پییم و دیگران ۲۰۰۶)، و ساخت جامعه‌شناسی ترجمه (وولف و فوکاری ۲۰۰۷). دیگر رویکردهای جامعه‌شناختی در بررسی ترجمه، نظریه نظام اجتماعی نیکلای لومان و نظریه شبکه برونو لاتور است.

توانایی انجام عمل» تعریف می‌کنند (۶)؛ تعریفی که حاضران در همایش «میانجیگری مترجمان» (۲۰۰۸) در دانشگاه تامپرا^۱ فنلاند، بر سر آن توافق داشتند.

اگرچه در آغاز این مقاله به این تعریف استناد می‌کنیم، توجه به چند نکته لازم است. اول اینکه عوامل ترجمه برای آنکه بتوانند از راه میانجیگری تمایل و توانایی انجام عمل خود را نشان دهند، باید امکاناتی چند را در اختیار داشته باشند. دوم آنکه این تعریف قدرت تصمیم‌گیری فرد مترجم و مخاطراتی را که ممکن است در میانجیگری وجود داشته باشد، نادیده می‌گیرد. چه بسا مترجم تمایل و توانایی انجام عمل را داشته باشد، لیک از میانجیگری بپرهیزد و یا دست به کار دیگری بزند. چنان‌که در ادامه خواهیم دید، برخی از عوامل ترجمه پا را فراتر از تمایل و توانایی انجام عمل می‌نهند. در پاسخ به پرسش پیم (۲۰۱۰: ۱۶۶) که پرسیده بود آیا مترجمان هم خطر می‌کنند یا خیر، و نیز بر اساس تحلیل‌های تاریخی، در این مقاله نشان خواهیم داد که برخی از عوامل ترجمه، که آنان را عوامل ترجمه خطرپذیر می‌نامیم، به‌راستی خطر می‌کنند، حال آنکه عوامل ترجمه خطرناپذیر، خطر نمی‌کنند (همان جا). افزون بر این، بررسی عوامل ترجمه و تجربیات آنان در تبعید (از جمله ر.ک. برک آلباختن^۲ ۲۰۱۰) موضوعی است که توجهات را به خود جلب کرده است و می‌تواند درک ما را از میانجیگری مترجم افزایش دهد و زمینه را برای بررسی بیشتر مفهوم میانجیگری سیال فراهم کند.

پس از ارائه چارچوب نظری، پرداختن به روش کار نیز ضروری است. در این مقاله از روش تحقیق تجربی و تاریخی و کتابخانه‌ای (ویلیامز و چسترمن^۳ ۷-۶۵)، و برای ارزیابی کیفیت مدارک از سه معیار صحت، اعتبار، میزان نمونه بودن، و معنا استفاده شده است (به پیروی از اسکات^۴ ۶، به نقل از برایمن^۵ ۵۱۶). با توجه به آنچه گفته شد و برای گردآوری داده‌ها، از پایگاه‌های اطلاعاتی بسیاری استفاده شده است. انجام این پژوهش، به دلیل ماهیت تاریخی‌اش، نیازمند بازدید از چندین کتابخانه و ارتباط با مراکز

^۱ Tampere

^۲ Berk Albachten

^۳ Williams & Chesterman

^۴ Scott

^۵ Bryman

پژوهشی مختلف و تماس با پژوهشگران در ایران، سوئد، انگلستان، ترکیه، هند و فرانسه بوده است. افزون بر تحلیل محتوایی مدارک تاریخی و بازخوانی پژوهش‌های پیشین، برای نشان دادن میانجیگری مترجم، از تحلیل متنی ترجمه فارسی سرگذشت حاجی بابای اصفهانی نیز سود برده‌ایم.

۳. روزی روزگاری در بریتانیا، ایران و هند

در این بخش چهار شخصیت قرن نوزدهم را معرفی خواهیم کرد که با وجود آنکه حرفه و علائق مشترکی داشتند، هرگز همدیگر را ندیدند. دو نفر از آنان بریتانیایی و دو نفر ایرانی‌اند. حکایت زیر دربارهٔ یک نویسنده و سه عامل ترجمه است.

۱.۳ جیمز جاستین موریه

جیمز جاستین موریه (تصویر ۱) در سال ۱۷۸۲ از پدر و مادری سوئسی و هلندی در شهر ازمیر، در قسمت ترک‌نشین دریای اژه، چشم به جهان گشود. او چهل‌وهشت سال بعد، در سال ۱۸۲۴، پس از دو مأموریت سیاسی در ایران، رمان عیاری سرگذشت حاجی بابای اصفهانی را منتشر کرد و همین رمان او را مشهور ساخت.

مأموریت‌های موریه به ایران در اوایل سدهٔ نوزدهم (۱۸۰۸ و ۱۸۱۱، در مجموع شش سال) بخشی از سیاست کشور بریتانیا در حفظ قدرت امپراتوری خود در کشوری بود که از قضا در محل تلاقی قدرت‌های بزرگی چون روسیه و امپراتوری عثمانی و فرانسه ناپلئونی قرار گرفته بود (ر.ک. جانستن). موریه پیش از انتشار کتاب پر فروش سرگذشت حاجی بابای اصفهانی (۳ ج، لندن ۱۸۲۴)، دو کتاب دیگر دربارهٔ سفرهایش به ایران و آسیای میانه (۱۸۱۲ و ۱۸۱۸) منتشر کرد که شامل اطلاعاتی قوم‌نگاشتی دربارهٔ سال‌های آغازین ایران دورهٔ قاجار است.^۱ پیش از انتشار رمان فوق‌الذکر،

^۱ هر دو کتاب بازچاپ شده‌اند و نسخهٔ الکترونیکی آنها نیز موجود است:

Morier, James. 1812. *A Journey through Persia, Armenia, and Asia Minor, to Constantinople, in the Years 1808 and 1809 in which is included, some Account of the Proceeding of His Majesty's Mission, Under the Harford Jones, Bart K.C. to the Court of the King of Persia*. London: Longman, Hurst, Rees, Orme and Brown; Morier, James. 1818. *A Second Journey through Persia, Armenia, and Asia Minor, to Constantinople, between the Years 1810 and 1816: With a Journal of the Voyage by the Brazils and Bombay to the Persian Gulf*. London: Longman, Hurst, Rees, Orme and Brown.

ترجمهٔ فارسی کتاب اول با عنوان *سفرنامهٔ جیمز موریه* با ترجمهٔ ابوالقاسم سری منتشر شده است (توس ۱۳۸۶).

خوانندگان انگلیسی دو رمان عیاری سرگذشت *ژیل بلاس سانتیلانی*، نوشته آلن رنه لوساژ^۱ (۴ ج، پاریس ۱۷۱۵-۱۷۳۵؛ به انگلیسی ۱۷۴۹)، و *آناستاسیوس* (۱۸۱۹)، نوشته تامس هوپ^۲ را خوانده بودند. گفته می‌شود که رمان اول الگوی موریه در نوشتن سرگذشت حاجی بابای اصفهانی بوده است (امانت^۳ ۲۰۰۳؛ رستگار^۴ ۲۰۰۷).

سرگذشت حاجی بابای اصفهانی داستان عجیب و غریب حاجی بابا، پسر دلآک اصفهانی، و ماجرای ناملايمات و بدببیری‌های او، و همچنین شرح وقایعی است که بر او می‌گذرد تا سرانجام بخت به او رو کرده، رخت منشیگری سفیر ایران را بر تن می‌کند (برای گزارش مفصل داستان ر.ک. امانت ۲۰۰۳).

۲.۳ میرزا حبیب اصفهانی

به ایران برویم: میرزا (تصویر ۲) در سال ۱۲۵۱ق در روستای بن، در نزدیکی شهرکرد به دنیا آمد. او که شاعر و نویسنده‌ای بی‌پروا بود به هجو صدراعظم وقت متهم شد (سنجابی^۵ ۲۵۲) و در ۱۸۶۶ به استانبول گریخت. ظاهراً میرزا در همان سال (یازچی^۶ ۲۰۰۲)، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی را به فارسی ترجمه می‌کند. او، بی‌آنکه ترجمه‌اش را به چشم ببیند، در سال ۱۳۱۰ق (افشار^۷ ۱۳۳۹: ۴۹۴) از دنیا می‌رود و تا بیش از نیم قرن بعد کسی از او به نام مترجم رمان موریه یاد نمی‌کند (ر.ک. پانوش ۳، ص ۱۱).

سال‌ها پیش از انقلاب مشروطه (۱۹۰۵-۱۹۱۱)، میرزا حبیب، پس از تکمیل تحصیلاتش در الهیات و ادبیات و فقه اسلامی در ایران و بغداد، و ارتباط با ایرانیان مخالف خارج از کشور، به اجبار ایران را چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، ترک کرد (ر.ک. سنجابی ۲۵۲؛ بالایی و کویی پرس^۸ ۴۱). به میرزا حبیب همچنین تهمت عضویت در فراموشخانه و دهری بودن زده شد. فراموشخانه انجمنی مخفی بود که در ایران، به تقلید از انجمن

¹ Alain-René Lesage's *Histoire de Gil Blas de Santillane*

² Thomas Hope's *Anastasius*

³ Amanat

⁴ Rastegar

⁵ Sanjabi

⁶ Yazici

⁷ Afshar

⁸ Balay & Cuypers

فراماسونری در اروپا، تشکیل شده بود. البته دربارهٔ این دو اتهام مدارک اندک است و یا اصلاً مدرکی وجود ندارد (ر.ک. آذرنگ^۱ ۳۵). از سال ۱۸۶۶ استانبول موطن میرزا شد (افشار ۱۳۳۹: ۴۹۳). او در استانبول به تدریس فارسی و مترجمی پرداخت. محیط اجتماعی - فرهنگی استانبول در آن زمان به دلیل فعالیت‌های سیاسی عثمانی‌های جوان در حال تغییر بود (ر.ک. پارکر^۲ ۵۷۷-۵۸۸). استانبول همچنین مرکزی برای گردهمایی روشنفکران و مخالفان ایرانی و محلی برای نشر مطبوعات فارسی شده بود (ر.ک. نبوی^۳ ۲۰۰۹).

شماری از پژوهشگران ایرانی اذعان می‌کنند که میرزا در ایام تبعید به یادگیری زبان فرانسوی و دیگر زبان‌ها پرداخته است. البته تنها یک پژوهشگر غیرایرانی، مدرک معتبری برای این ادعا عرضه کرده است. استنلی^۴ (۹۶) در کتاب خود پیرامون خوشنویسان قرن نوزدهم، به بررسی نقش میرزا و کتاب او، خط و خطاطان (۱۸۸۷-۱۸۸۸) می‌پردازد. او به نقل از اینال، جانشین میرزا، می‌گوید که حبیب (در استانبول به میرزا، حبیب افندی می‌گفتند) «به مدت ۲۱ سال در دبیرستان گالاتاسرای فارسی و عربی، و در دبیرستان دارالشفاه فارسی و فرانسه درس می‌داده است». میرزا همچنین در سال ۱۸۲۷ دستور سخن را - که اوّلین دستور زبان نظام‌مند فارسی است - در استانبول منتشر کرد.^۵ از جمله آثار دیگر او به فارسی و ترکی، ترجمه فارسی او از مردم‌گریز مولیر^۶ در ۱۸۶۹-۱۸۷۰ و ژیل بلاس لوساژ است.^۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

¹ Azarang

² Parker

³ Nabavi

⁴ Tim Stanley

⁵ Darüşşafaka

⁶ برای اطلاعات بیشتر در باب این کتاب، ر.ک. مجلهٔ *ارمغان* ۱۳۰۸ و افشار ۱۳۳۹.

⁷ Molière's *Le Misanthrope*

⁸ برای فهرست آثار میرزا ر.ک. افشار (۱۳۳۹: ۴۹۵); مدرّس صادقی (۱۳۷۹: Modarreseh Sadeghi); برای ترجمهٔ مردم‌گریز، ر.ک. سنجابی (۱۹۹۸); برای نسخه‌های مختلف ژیل بلاس به فارسی، ر.ک. آذرنگ (۳۸-۳۹); برای نقد ترجمهٔ میرزا از ژیل بلاس به فارسی، ر.ک. امامی (۱۳۸۷: Emami).

۳.۳ حاجی شیخ احمد روحی کرمانی

حاجی شیخ احمد روحی کرمانی (شیخ احمد) (تصویر ۳) در سال ۱۲۷۲ ق در ایران به دنیا آمد. وی در استانبول همکار میرزا حبیب بود و هنگام عبور از مرز عثمانی و ایران در سال ۱۸۹۷، به اتهام شرکت در قتل ناصرالدین شاه (۱۸۳۱-۱۸۹۶)، پادشاه وقت ایران، دستگیر شد. عمال شاه او را در تبریز سر بریدند. اما در میان مائترک او نسخه‌ای دست‌نویس از ترجمه سرگذشت حاجی بابای اصفهانی میرزا نیز پیدا شد. به این دلیل عمده که نام شیخ احمد به اشتباه به جای مترجم کتاب موریه شناخته شده، در تحقیقات درباره سرگذشت حاجی بابای اصفهانی به او کمتر توجه شده است. احتمال دارد که وی در سال ۱۸۸۶ به استانبول رفته و به کار تدریس فارسی و عربی و نسخه‌برداری کتب مشغول شده بوده است. دیری نمی‌کشد که شیخ احمد به طور فعال وارد جنبش‌های سیاسی می‌شود که به رهبری [سید جمال‌الدین] افغانی، با هدف اتحاد جهان اسلام علیه استبداد قاجاری، دنبال می‌شده است (ر.ک. کدی^۱؛ ۱۹۸۳؛ ۲۰۰۶: ۱۷۷-۱۷۹). گفته می‌شود شیخ احمد در تصحیح و نسخه‌برداری کتب با میرزا همکاری می‌کرده است (مدرس صادقی ۱۳۷۹: ۱۴). برخی از نامه‌های سیاسی او خطاب به علمای قم و نجف و مشهد به دست مأموران ناصرالدین شاه می‌افتد و آنها نیز از دولت عثمانی می‌خواهند که شیخ احمد را برای محاکمه به دولت ایران تحویل دهد. این فشارها هم‌زمان با قتل ناصرالدین شاه، پادشاه قاجار، در سال ۱۸۹۶ به دست یاران شیخ احمد و یارانش بالا می‌گیرد. شیخ احمد و دو نفر از همکاران او به دولت ایران تحویل داده می‌شوند و سرنوشت غم‌انگیزی برایشان رقم می‌خورد (ر.ک. مدرس صادقی ۱۳۷۹: ۱۶؛ مقدمه فیلات بر چاپ ۱۹۰۵ ترجمه فارسی)^۲.

^۱ Keddie

^۲ گزارشی که فیلات از قتل شیخ احمد ارائه کرده به شرح زیر است: «تلگرافی از تهران به تبریز می‌رسد و دو مظنون مخفیانه در مطبخی در حضور حاکم سربریده می‌شوند. گفته‌اند که حاکم به هنگام نظارت بر اجرای حکم گریسته است. این اعدام در ۴ صفر ۱۳۱۴ ق (حدوداً ۱۸۹۶ میلادی) اتفاق افتاده و پس از آن جسد‌ها به چاهی انداخته شده است» (۷).

اشتباه در مترجم نامیدن شیخ احمد، یکی از نمونه‌های جالب توجهی است که نشان می‌دهد چگونه ممکن است میانجیگری در ترجمه، به اشتباه به فرد دیگری نسبت داده شود. ادوارد براون^۱ (۱۹۱۰: ۹۳) — که در مقدمه‌اش بر نسخه انگلیسی سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، شیخ احمد را مردی فرهیخته و باوقار توصیف کرده است — از نامه‌ای خبر می‌دهد که در سال ۱۸۹۲ از شیخ احمد دریافت کرده و در آن، میرزا مترجم رمان موریه از زبان فرانسوی معرفی شده است. شیخ احمد از براون می‌خواهد که مقدمات نشر آن را در لندن فراهم نماید، چرا که با وجود تمایل میرزا برای انتشار ترجمه در استانبول، *سانسور مطبوعات* مانع از آن شده است (۱۸۹۵: XXI).^۲ براون پس از شناسایی میرزا در مقام مترجم در سال ۱۸۹۵، در جلد چهارم *تاریخ ادبی ایران* در سال ۱۹۲۴ با مترجم نامیدن شیخ احمد، دوباره همان اشتباه را تکرار می‌کند. کامشاد^۳ (۱۹۶۶: ۲۳) که رونوشت نامه شیخ احمد به براون را منتشر نموده و اولین محقق ایرانی‌ای است که میرزا حبیب را مترجم *سرگذشت حاجی بابای اصفهانی* معرفی کرده است، اشتباه براون را به سالخوردگی و بیماری او نسبت می‌دهد. به همین طریق، رستگار، *اشتباه آگاهانه* براون را بی‌ربط به حمایت او از مشروطه‌خواهان ایرانی، که شیخ احمد مخفیانه به آنان پیوسته بود، نمی‌داند.

نکته جالب توجه دیگر اینکه فیلات (ر.ک. زیر) از مقدمه براون بر چاپ نسخه انگلیسی رمان در سال ۱۸۹۵ کاملاً بی‌خبر بوده است. از این شگفت‌تر آنکه فیلات در مقدمه‌اش بر چاپ دوم ترجمه فارسی در سال ۱۹۲۴، شیخ احمد را دوباره مترجم می‌خواند. شگفتی در این است که فیلات این مقدمه را درحالی که در کیمبرج بوده می‌نویسد و به قول کامشاد، فیلات باید براون را در آنجا ملاقات کرده باشد.

^۱ Browne

^۲ دقیقاً مشخص نیست که شیخ احمد از کدام سانسور صحبت می‌کند. احتمال دارد منظور وی سانسور مطبوعات است که در دوره عبدالحمید دوم (۱۸۷۶-۱۹۰۸) در قلمرو عثمانی رایج بوده است (ر.ک. دمیرچی‌اوغلو (Demircioğlu) (۱۳۸).

^۳ Kamshad

تلاش‌های مشابه دیگری نیز برای زنده نگه داشتن یاد میرزا صورت گرفته است. مشهور است که مجتبی مینوی در سال ۱۹۶۱، دست‌نوشته‌ای از ترجمه میرزا را در کتابخانه دانشگاه استانبول یافته بوده است (ر.ک. مدرس صادقی ۱۳۷۹: ۱۲). جمالزاده، نویسنده دیگری است که این ادعا را مطرح کرده است (ر.ک. افشار ۱۳۳۹؛ کامشاد ۲۰۱۰).^۱

۴.۳ داگلاس کراون فیلات^۲

آخرین کارگزار ترجمه در این مقاله، سرگرد داگلاس کراون فیلات (تصویر ۴) است. فیلات در سال ۱۸۶۰ در هند متولد شد و اگرچه کمتر کسی در انگلستان او را به یاد می‌آورد، دست‌کم در ایران او را ویراستار و بانی اصلی چاپ اولین ترجمه فارسی سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، در سال ۱۹۰۵ در کلکته می‌شناسند و به یاد دارند.

^۱ زمانی که براون در سال ۱۸۹۵ مقدمه‌اش را بر رمان موریه می‌نویسد، ترجمه‌ای نیز از نامه شیخ احمد به انگلیسی به دست می‌دهد. براون در آن نامه میرزا را مترجم فارسی سرگذشت حاجی بابای اصفهانی از فرانسوی نام می‌برد. این موضوع تا وقتی که کامشاد در کتابش (۱۹۶۶: ۲۲) رونوشتی از نامه شیخ احمد به براون را چاپ می‌کند، ناشناخته باقی می‌ماند. میان محققان ایرانی بر سر اینکه چه کسی اولین بار متوجه می‌شود که میرزا مترجم سرگذشت حاجی بابای اصفهانی است، اختلاف نظر وجود دارد. با وجودی که ادعای کامشاد بر اساس نامه شیخ احمد است، دیگران به دست‌نویس میرزا نگاه می‌کنند. احتمال دارد مینوی تنها محقق باشد که واقعا نسخه دست‌نویس میرزا حبیب را در سال ۱۹۶۱ در کتابخانه دانشگاه استانبول، به شماره F266 دیده است. به‌رغم کوشش‌های فراوان، نویسنده هنوز موفق نشده است از نزدیک این نسخه را بازبینی کند. گفته می‌شود که مینوی ریزفیلم نسخه دست‌نویس (به شماره ۳۶۰۳) را به کتابخانه دانشگاه تهران داده است. چاپ انتقادی مدرس صادقی (۱۳۷۹) بر اساس این ریزفیلم است. جمالزاده (۱۳۶۲: ۶۷۳)، با نقل از نامه‌های مینوی، به شرح داستان کشف نسخه دست‌نویس میرزا در سال ۱۹۶۱ می‌پردازد. با وجود این، معلوم نیست چرا جمالزاده خود مدعی این کشف می‌شود (۱۳۴۸، ۱۳۶۲). اخیرا کامشاد (۲۰۱۰) تصریح کرده است که وی داستان را به جمالزاده گفته و چون در آن زمان «جوان بودم، پرت بودم، برای این چیزها اهمیتی قائل نبودم». نکته جالب توجه این است که افشار (۱۳۳۹) یادی از کشف مینوی نمی‌کند و در عوض جمالزاده را کاشف میرزا معرفی می‌کند (افشار ۱۳۴۲).

^۲ Douglas Craven Phillott



تصویر ۱. صفحه عنوان سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، ویرایش فیلات و منتشر شده در سال ۱۹۰۵ در کلکته.

چنان‌که اشاره شد، نسخه دست‌نویس ترجمه میرزا حبیب از سرگذشت حاجی بابای اصفهانی در ماترک شیخ احمد پیدا می‌شود. البته معلوم نیست که این نسخه چگونه به کرمان و به دست خانواده شیخ احمد می‌رسد که از تبریز بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر فاصله دارد. به عقیده کلباسی^۱ (۴۴) خانواده شیخ احمد از بیم خشونت دولت، برای چاپ این نسخه به سراغ فیلات می‌روند. فیلات که کنسول وقت بریتانیا در کرمان بود بی‌درنگ متوجه ارزش نسخه دست‌نویس می‌شود.^۲ وی بعد از اتمام مأموریت به هند برمی‌گردد، نسخه دست‌نویس را تصحیح می‌کند، و ضمن افزودن یادداشت‌هایی در پانوش

^۱ Kalbasi

^۲ فیلات در مقدمه‌اش بر چاپ ۱۹۰۵ ترجمه فارسی تصریح می‌کند که شیخ احمد خود نسخه دست‌نویس را به ایران فرستاده است: «چاپ حاضر بر اساس نسخه دست‌نویسی است که خود بر اساس نسخه دست‌نویسی که مترجم به زادگاهش فرستاده، مقابله شده، و اینک با اجازه وراثت وی منتشر می‌شود» (ix-x). محققان توجه اندکی به این حقیقت نشان داده‌اند که نسخه فیلات بر اساس دو نسخه است: یکی نسخه رایج در ایران آن زمان، و دیگری نسخه رونویسی شده به خط شیخ احمد. احتمال دارد این دومی همان نسخه‌ای باشد که پس از قتل شیخ احمد در میان ماترکش پیدا شد. البته هیچ اطلاعی از وجود احتمالی این دست‌نوشته‌ها در ایران یا هند وجود ندارد. کوشش‌ها در ایران برای یافتن بازماندگان شیخ احمد در کرمان نیز به جایی نرسید. برای توصیف کنسولگری بریتانیا و چگونگی تأسیس آن در کرمان، مراجعه کنید به فصل ۱۵ اسکایز (۱۹۰۲). (Skyles)

ترجمه، آن را در سال ۱۹۰۵ در انجمن آسیایی بنگال^۱ در کلکته منتشر می‌کند. اگرچه او با این کار ترجمه میرزا را نجات می‌دهد (مدرّس صادقی ۱۳۷۹)، اشتباه بزرگی را مرتکب می‌شود و شیخ احمد را مترجم کتاب می‌نامد. کار فیلات بر ترجمه فارسی هدف آموزشی دارد. او در هر صفحه از ترجمه فارسی، پانوشتهایی افزوده که توضیح‌دهنده کلمات و عبارات و اصطلاحات است و در برخی از موارد، به اشتباهات مترجم نیز اشاره می‌کند (برای نمونه در صفحه ۱، پانوشته ۶). گاه نیز تفسیر نادرستی از ترجمه میرزا به دست می‌دهد (برای مثال در صفحه XIV، در برابر واژه فارسی باربر، «متحمّل» را پیشنهاد می‌کند که عاری از بار کنایه‌آمیز ترجمه میرزاست؛ قیاس کنید با تحلیل مدرّس صادقی از کار فیلات بر چاپ ۱۹۰۵، ۱۳۷۹: ۴۳-۴۴).

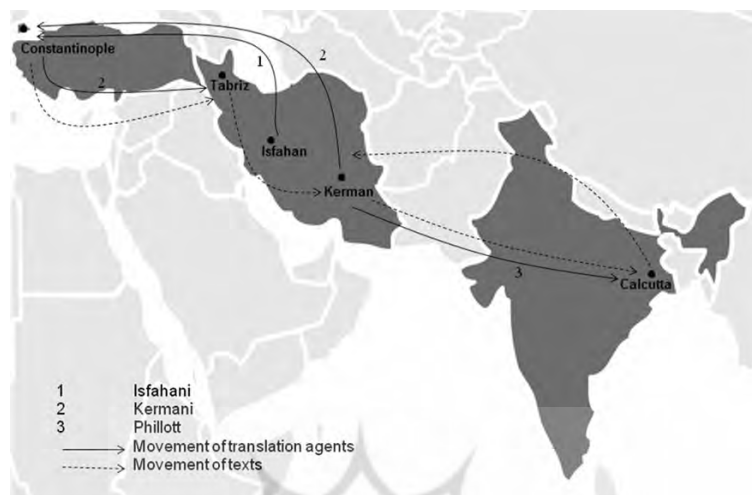
جدول شماره ۱ سال‌شمار رویدادهای مهم را نشان می‌دهد و تصویر ۲ شکلی ساده از نحوه جابه‌جایی عوامل ترجمه و متون را در ترجمه و تولید رمان جیمز موریه و ترجمه فارسی آن ارائه می‌کند.

سال	رویداد
۱۸۲۴	انتشار سرگذشت حاجی بابای اصفهانی نوشته موریه در انگلستان و فرانسه.
۱۸۶۶	میرزا ایران را به مقصد استانبول ترک می‌کند.
۱۸۸۶	میرزا رمان موریه را به فارسی ترجمه می‌کند.
۱۸۸۶	شیخ احمد وارد استانبول می‌شود.
۱۸۹۶	شیخ احمد را در تبریز سر می‌برند.
۱۹۰۵	فیلات ترجمه فارسی را در کلکته ویرایش و منتشر می‌کند. او شیخ احمد را به اشتباه مترجم کتاب می‌نامد.
۱۹۶۱-۶	میرزا، مترجم فارسی رمان سرگذشت حاجی بابای اصفهانی شناخته می‌شود.
۱۳۷۹	انتشار چاپ انتقادی ترجمه فارسی در تهران به اهتمام جعفر مدرّس صادقی، بر اساس ریزفیلم دست‌نویس میرزا. ^۲

جدول ۱. سال‌شمار رویدادهای مهم در ترجمه و تولید رمان سرگذشت حاجی بابای اصفهانی به انگلیسی و فارسی.

^۱ Asiatic Society of Bengal

^۲ نویسنده به تازگی نسخه‌ای از ترجمه بازده گفتار نخست سرگذشت حاجی بابای اصفهانی را به ترجمه محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۲، به اهتمام سید علی آل‌داود) مشاهده کرده است. جدا از آنکه این ترجمه اتفاق تازه‌ای است و بجاست در مقاله‌ای دیگر به آن پرداخت، مختصراً اشاره می‌کنم که برخلاف ادعای آل‌داود که «افزوده‌های چندانی به ترجمه میرزا حبیب راه نیافته است» (ص ۹)، در این مقاله، ضمن ارائه دلیل، نشان می‌دهیم که اضافات میرزا حبیب به ترجمه قابل توجه است.



تصویر ۲. جابه‌جایی عوامل ترجمه و متون

۴. تحقیقات قبلی دربارهٔ سرگذشت حاجی بابای اصفهانی

تحقیقات معتبر دربارهٔ این رمان و ترجمهٔ فارسی آن را می‌توان به ترتیب به دو گروه تحقیقات محققان ایرانی و تحقیقات محققان غیرایرانی تقسیم کرد.

۱.۴ تحقیقات محققان ایرانی

محققان ایرانی متن اصلی رمان و ترجمهٔ آن را منتقدانه بررسی کرده‌اند. از گمانه‌زنی دربارهٔ اصل کتاب گرفته (مینوی^۱ ۱۹۶۷) — بیشتر به دلیل مقدمهٔ موریه بر رمان، که در آن موریه ضمن داستانی نقل می‌کند که رمان را بر اساس نسخهٔ دست‌نویس اثری فارسی نوشته است (ر.ک. زیر) — تا اعتقاد به اینکه رمان موریه «تصویری یک‌سویه، غرض‌آلود و اغراق‌آمیز از جامعهٔ ایرانی است» (کامشاد^۲ ۱۹۶۶؛ نیز ر.ک. ناطق^۳ ۱۳۵۳، امانت ۲۰۰۳). باآنکه بیشتر منتقدان ترجمه را تحسین می‌کنند و حتی آن را بهتر از اصل می‌دانند (امامی ۱۳۷۲؛ قانون‌پرور^۳ ۱۹۹۶؛ آذرنگ ۱۳۸۱) و گاه آن را نمونه‌ای از

^۱ Minavi

^۲ Nateq

^۳ Ghanoonparvar

«اسلوب ترجمه در متون کهن فارسی» می‌دانند (کلباسی ۴۹)، دیگران از موریه و میرزا، مترجم فارسی، انتقاد می‌کنند. از دید برخی رمان موریه «طرح شرق‌شناختی برجسته‌ای» است در خدمت «تثبیت برتری فرهنگی اخلاقی اروپا و مأموریت تمدن‌ساز قدرت‌های بزرگ» (امانت ۲۰۰۳، تأکید از نویسنده اصلی). به طرق مشابه، گفته شده که این ترجمه «آغاز ادبیات استعماری» است (ناطق ۳۲). البته برخی نیز به زمینه اجتماعی - سیاسی حوادث حاکم و منتهی به انقلاب مشروطه (۱۹۰۵-۱۹۱۱) اشاره کرده‌اند و آنها را عاملی مهم در ترجمه رمان به فارسی می‌دانند. با این حال، آنان راهبردهای مترجم را در ترجمه، به دلیل سابقه سیاسی و تبعیدش در قلمروی عثمانی، به باد انتقاد می‌گیرند (کامشاد ۱۹۶۶؛ حسینی^۱ ۲۰۰۶).

مدرس صادقی، دومین مصحح ترجمه فارسی (تهران، ۱۳۷۹)، رویه متفاوتی را برمی‌گزیند. او در مقدمه‌اش بر چاپ انتقادی کتاب از شگرد داستانی بحث‌انگیز موریه کمک می‌گیرد تا نشان دهد که موریه بر سر راهش به انگلستان، به حاجی‌بابا نامی در توقات^۲ عثمانی برخورده است. حاجی‌بابا هم نسخه دست‌نویس کتابی را به موریه داده و او هم همین را اساس رمان یا ترجمه انگلیسی‌اش قرار داده است. به گفته مدرس صادقی هیچ‌کس به جز میرزا، مترجم فارسی، این شگرد داستانی موریه را جدی نگرفته است. منظور اصلی میرزا از ترجمه کتاب موریه «بازسازی و احیای همان اثری بوده است که به ادعای موریه مبنای رمان حاجی‌باباست» (۲۱).

رستگار (۲۰۰۷) با دوری جستن از گفتمان غالب بالا، از دیدی نو به این رمان و ترجمه فارسی آن نگاه می‌کند. وی می‌گوید که در نقد ترجمه‌های ادبی، از جمله رمان موریه، «نحوه تعامل قدرت بین‌فرهنگی در ساخت ارزش ادبی بافت اجتماعی مبدأ و مقصد» نادیده گرفته شده است (۲۵۱). وی نشان می‌دهد که چگونه طرف‌داران دیدگاه‌های استعماری - شرق‌شناختی و یا حتی آنها که توهمات انقلابی و ضد استعماری در سر می‌پروراند، از متنی مانند رمان موریه، به نفع خود سود برده‌اند (همان جا).

^۱ Hosseini

^۲ Tucat

۲.۴ تحقیقات محققان غیرایرانی

روی هم‌رفته نگاه گروهی از مستشرقان و منتقدان بریتانیایی به این رمان نگاهی است در چارچوب رمان شرق‌شناسانه. آنان از جمله به ویژگی‌های سرگرم‌کننده این رمان عیاری (اسکات و ویلیامز ۱۹۶۸)، ارزش قوم‌شناختی آن (جیننگز^۱ ۱۹۴۹؛ آلتیک^۲ ۱۹۵۴/۱۸۹۵) و اهمیت آموزشی آن برای هر انگلیسی‌فروسخنه (براون ۱۸۹۵: ix) اشاره می‌کنند. به نظر بالایی و کویی‌پرس (۴۱)، ترجمه فارسی رمان بخشی از ادبیات دوره مشروطه ایران است که «متن اصلی را تقویت می‌کند». به‌علاوه، کوشش‌هایی انجام یافته است تا شخصیت‌های رمان را به هم‌تایان واقعی آنان نسبت دهند (گرابار^۳ ۱۹۶۹، موسی محمد^۴ ۱۹۶۹: ۱۹۶۹/۷۰، وایتسمن^۵ ۱۹۷۰)، یا به‌عکس، حوادث رمان را به جهان واقعی (کرزن^۶ ۱۸۹۵).

۳.۴ تحلیل‌های متنی

تا آنجا که می‌دانیم مقایسه متن نسخه انگلیسی و فارسی رمان موریه به چهار مورد محدود می‌شود. کامشاد (۱۹۶۶: ۲۶) سبک نگارش میرزا و تأثیر آن را در «بیداری مردم و در جلو انداختن انقلاب» می‌ستاید. با وجود این، او از مترجم، به دلیل برخورد انتقادی‌اش با «دستگاه دینی و دیوانی کشور» (۲۴) که منجر به تغییر و افزایش و کاهش متن شده، انتقاد می‌کند. کامشاد برای اثبات مدعایش تنها به یک مثال اکتفا می‌کند. انتقاد او از روش و مرام سیاسی مترجم گواهی است بر رویکرد سنتی و معطوف بر تعادل در ترجمه، که از قضا روش غالب ترجمه در دهه ۴۰ و بعد از آن در ایران است (ر.ک. حلدادیان مقدم^۷ ۲۰۱۲).

¹ Jennings

² Altick

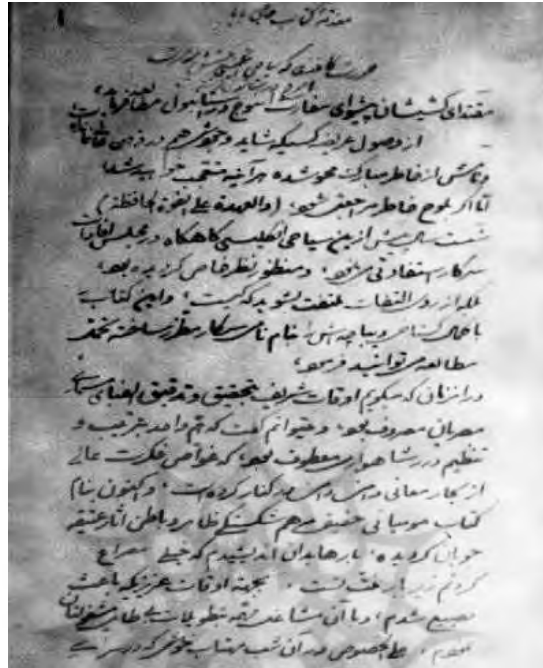
³ Grabbar

⁴ Moussa-Mahmoud

⁵ Weitzman

⁶ Curzon

⁷ Haddadian-Moghaddam



تصویر ۳. صفحه اول نسخه دست‌نویس میرزا از ترجمه فارسی سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی

دومین مقایسه متنی را امامی (۱۳۷۲/۱۹۹۳) بر اساس سه معیار دقت و امانت و روانی انجام داده است. به نظر وی ترجمه میرزا برطبق معیار روانی نمره خوبی می‌گیرد. تحلیل امامی مبتنی بر چهار متن است: نسخه انگلیسی، نسخه فرانسوی (ترجمه دو فوکونپره^۱ ۱۸۲۴) و دو نسخه فارسی، یعنی فیلات (۱۹۲۴) و نسخه‌ای به تصحیح جمالزاده (۱۳۴۸)، که این آخری با انتقاد شدیدی نیز مواجه شده است (ر.ک. مدرس صادقی ۱۳۷۹: ۱۸ و ۲۸). امامی تصریح می‌کند که ترجمه میرزا حبیب دقیق نیست، اما موفق است، زیرا به روح اثر وفادار مانده است (۴۸). به علاوه، امامی متوجه می‌شود که مترجم فرانسوی واژه *courier* (قاصد) انگلیسی را به اشتباه *courtesan* (شخص درباری)

^۱ Auguste Jean-Baptiste Defauconpret

ترجمه کرده است، در صورتی که ترجمه میرزا با نسخه انگلیسی مطابقت دارد.^۱ نظر امامی بار دیگر رواج غالب سنت ترجمه ناظر بر تعادل را در ایران نشان می‌دهد. شیفتگی امامی به روش ترجمه میرزا او را وامی‌دارد تا به جای ترجمه، متن اصلی را احیا کند. از نظر او کار میرزا همان قدر موفقیت‌آمیز است که اقتباس ادوارد فیتزجرالد از رباعیات عمر خیام (۱۸۵۹)، و درعین حال، کار هیچ کدام «دقیق و منطبق با اصول پذیرفته شده ترجمه نیست» (امامی ۱۳۷۲: ۴۹).

رستگار (۲۰۰۷: ۲۶۷)، بدون توجه به تحقیق امامی، خاطر نشان می‌کند که نقش میانجی متن فرانسوی تا حد زیادی مغفول مانده است (تصویر ۸). با اینکه در نسخه انگلیسی نامی از نویسنده برده نمی‌شود و نسخه فارسی نیز فرد دیگری را به اشتباه مترجم می‌خواند، ناشر ترجمه فرانسوی، اُکر و گیته ژون،^۲ دست به کار دیگری می‌زند. ناشر فرانسوی، در نبود مؤلف اصلی، کتاب را به والتر اسکات^۳ (۱۷۷۱-۱۸۳۲) نسبت می‌دهد که مترجمی نامرئی به نام ژان باپتیست دوفوکونپره آثار او را به فرانسوی ترجمه کرده بود. کتاب با عنوان حاجی بابا، ترجمه از انگلیسی به خامه مترجم رمان‌های سیر والتر اسکات، در ۱۸۲۴ در چهار مجلد، در پاریس منتشر می‌شود. علاوه بر تحقیق امامی (۱۳۷۲)، جیانوربرتو اسکارسیا،^۴ با استفاده از متن فرانسوی، به چند «نکته کلی درباره نوآوری نثر میرزا حبیب» (رستگار ۲۰۰۷: ۲۶۷) اشاره می‌کند.

مقایسه نسخه‌های انگلیسی و فارسی با نسخه میانجی فرانسوی نشان می‌دهد که ترجمه فرانسوی به نسخه انگلیسی خیلی نزدیک است. در تحلیل مختصری از فصل «نامه مقدماتی» و «فصل اول» به موردی برخوردیم که مترجم در ظاهر به نسخه انگلیسی مراجعه کرده است. برای مثال «sixteen years ago» (xxii) در نسخه

^۱ امامی (۱۳۷۲) می‌پندارد که ترجمه درست میرزا به دلیل شناخت او از زمینه ایرانی داستان است. او این احتمال را که میرزا از انگلیسی یا ترکی ترجمه کرده باشد، بعید نمی‌داند. البته وی توصیه می‌کند که دیگر شواهد را هم نباید نادیده گرفت.

^۲ Haut-Coeur et Gayet Jeune

^۳ Walter Scott

^۴ Gianoroberto Scarcia

انگلیسی، به «شانزده سال پیش» در نسخه فارسی ترجمه شده، درحالی که در نسخه فرانسوی «شصت سال»^۱ است.^۲ همچنین معلوم شد که میرزا در بسیاری از موارد به نسخه انگلیسی یا فرانسوی وفادار نبوده است.^۳ اگر یک محقق تحلیلی کامل از ترجمه فارسی، در قیاس با نسخه اصلی، به دست دهد، آن‌گاه نقش نسخه میانجی فرانسوی روشن می‌شود و با کمک دلایل متقن مشخص خواهد شد که آیا میرزا از فرانسوی ترجمه کرده یا از انگلیسی؟

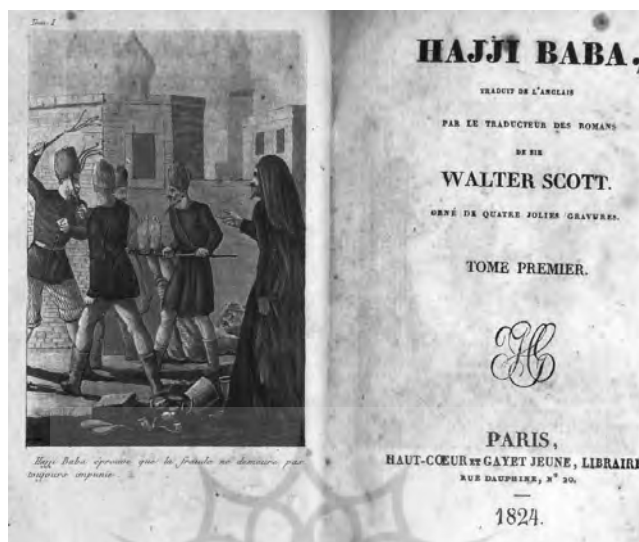
در سومین تحلیل متنی، کلباسی نسخه انگلیسی و ترجمه میرزا را مقایسه می‌کند و برخی از ویژگی‌های سبک‌شناختی ترجمه دیگر میرزا را، سرگذشت *ژیل بلاس سانتیلانی*، نشان می‌دهد. وی نتیجه می‌گیرد که شیوه این ترجمه یادآور «اسلوب ترجمه در متون کهن ماست» (۴۹) که با سبک کاملاً مصنوع دوره قاجار در تضاد است. منظور کلباسی از نثر کلاسیک فارسی آثار ابوالفضل بیهقی، مورخ و نویسنده قرن پنجم، و سعدی، شاعر قرن هفتم است که آثارشان نمونه‌هایی از نثر گفتاری و قابل فهم برای عموم است. کلباسی ترجمه فارسی *کلیله و دمنه* را از روی افسانه‌های هندی موسوم به *پنجه‌تنتره*، در قرن ششم، نمونه‌ای از این اسلوب ترجمه می‌داند.^۴ وی که از رویکردهای مقصدمحور ترجمه آگاهی دارد، از سویی نثر مصنوع دوره قاجار را که میرزا به‌غایت از آن بیزار بود نکوهش می‌کند و از دیگر سو، به طور تلویحی از مترجمان ادبی ایرانی می‌خواهد از آنچه او نقش تاریخی‌شان می‌نامد، آگاه باشند. طرفه آنکه او از مترجمان ایرانی می‌خواهد به‌جای ترجمه‌های لفظی و مبدأمحور به ترجمه‌های مقصدمحور روی بیاورند، که ظاهراً در ترجمه ادبی امروز ایران هم آشکارتر است.

^۱ soixante ans

^۲ نکته جالب توجه این است که در نسخه دست‌نویس میرزا، نسخه اساس متن فرانسوی است و نه انگلیسی. این نشان می‌دهد نسخه‌ای که اساس چاپ ۱۹۰۵ فیلات بوده چه‌بسا با نسخه دست‌نویس میرزا تفاوت‌های ناچیزی داشته است. روشن است که چاپ فیلات بر اساس نسخه رونویسی‌شده شیخ احمد از روی نسخه دست‌نویس میرزا بوده و شاید شیخ احمد، گهگاه، دخل و تصرف‌هایی در آن کرده باشد.

^۳ انگلیسی از موریه (۱۸۲۴)، فرانسوی از موریه (۱۸۲۴)، و فارسی از فیلات (۱۹۰۵) است. جدول ۳ (پیوست) نشان می‌دهد که میرزا در ترجمه گاه توجهی به نسخه انگلیسی و فرانسوی نداشته است.

^۴ برای بررسی تطبیقی نسخه‌های عربی و فارسی و هندی این ترجمه رک. حیدری (Heydari ۱۳۸۶-۱۳۸۷).



تصویر ۴. صفحه عنوان حاجی بابا، ترجمه از انگلیسی به خامه مترجم رمان‌های سر والتر اسکات، ترجمه آگوست ژان باپتیست دوفوکونپره در ۱۸۲۴، به اضافه گراور داستان. ترجمه شرح زیر گراور: «حاجی بابا خیال می‌کند کلاهدار همیشه قسر در نمی‌رود». نام موریه در صفحه عنوان نیست.

سرانجام حسینی (۲۰۰۶) با مقایسه ترجمه میرزا با ترجمه افشار (۱۳۷۶) استدلال می‌کند که ترجمه میرزا نمونه‌ای از ترجمه استعمارگرایانه است. از نظر وی چون میرزا در موقعیتی استعماری قرار داشته راهبردهای ترجمه‌اش متأثر از این جایگاه است و لذا در ترجمه به حمایت از فرهنگ غرب برخاسته است، اما در قیاس، ترجمه دوم نمونه‌ای از ترجمه پسااستعماری است. این دیدگاه اولاً این حقیقت را که ایران هرگز مستعمره نبوده است نادیده می‌گیرد. ثانیاً، راهبردهایی که افشار در ترجمه وفادار خود اتخاذ کرده، ربطی به موقعیت او در ایران پس از انقلاب ندارد.

تحقیقاتی که در بالا به آنها اشاره رفت، به جز تحقیق رستگار (۲۰۰۷)، توجه اندکی به حرکت و جابه‌جایی عوامل ترجمه کرده‌اند و تمایلی برای عبور از طبقه‌بندی‌های ملی‌گرایانه انواع ادبی (شرقی یا استعمارگری یا پسااستعماری) ندارند. چنان‌که اشاره شد، در این مقاله در پرتو توجه روزافزون به جامعه‌شناسی ترجمه و فراخوان پیم (۲۰۰۹: ۱۵۲) برای توجه به جابه‌جایی فیزیکی افراد، مرزهای مرسوم را پشت سر

گذاشته‌ایم و به بررسی جابه‌جایی متن انگلیسی و ترجمه فارسی رمان موریه و عوامل ترجمه آن پرداخته‌ایم.

۵. تحلیل ترجمه سرگذشت حاجی بابای اصفهانی

قصد ما تحلیل کامل ترجمه فارسی نیست، بلکه بررسی دخل و تصرف‌های عمده مترجم در اثبات این موضوع است که یکی از راه‌هایی که میرزا برای میانجیگری در تبعد برگزید این بود که در ترجمه به پیشرفت سیاسی ایران بیش از وفاداری به متن بیگانه اهمیت بدهد. برای سهولت کار تقسیم‌بندی‌ای را که کامشاد (۱۹۶۶) در بررسی خود از ترجمه رمان موریه به کار برده است وام می‌گیریم. پس این تحلیل شامل دو دسته افزوده‌ها و شرح و بسط معنی، و توصیفات مطمئن و حذفیات است. برای پرهیز از اطناب تنها چند مثال از هر دسته ذکر می‌کنیم. ترجمه فارسی از نسخه فیلات (۱۹۰۵) و ترجمه انگلیسی از موریه (۱۹۰۲) است.^۱

۱.۵ افزوده‌ها و شرح و بسط معنی

در نسخه فارسی بخش‌های افزوده پُررنگ شده‌اند.

۱.۱.۵ اولین فکر حاجی بابا درباره استانبول:

چون امتعه و اقشمه دکانها و مغازه‌ها و دبدبه و طنطنه پاشایان و افندیان استانبول را، با آن خدم و حشم و اسب و عرابه و زیب و زینت دیدم، باد غرور ایرانیم فروکش کرده آهسته با خودم گفتم ما کجا و اینان کجا؟ اگر اینجا جاست، پس ایران کجاست؟ اینجا دارالنعیم است، آنجا دارالجهیم: اینجا دارالصفاء، آنجا دارالغزاء: اینجا عزت است و گنج، آنجا ذلت و رنج: اینجا سلطنت است و نظافت، آنجا درویش و کثافت: اینجا تماشاخانه، آنجا تکیه‌خانه: اینجا بازی، آنجا شبیه: اینجا عیش، آنجا تعزیه: اینجا آوازه، آنجا روضه. خوش‌گذرانی و عیش و نوش ترکان با آن عزاداری شبانه‌روز ایرانیان را بخاطر آورده بر بخت بد گریستم. (۳۹۷)

^۱ رسم‌الخط فارسی مطابق آن چیزی است که در نسخه ۱۹۰۵ آمده است. آقای مدرّس صادقی بعد از انتشار مقاله به زبان انگلیسی نکاتی را درباره این موضوع یادآور شدند. ضمن قبول این نکته‌ها، یادآور می‌شوم که هدف ما در اینجا بررسی خطاهای ویراستاری نیست.

And when I saw the riches displayed in the shops, the magnificence of dress of almost every inhabitant, and the constant succession of great lords and agas, riding about on the finest and most richly caparisoned horses, I could not help exclaiming, in a secret whisper to myself, "Where is Constantinople and her splendours, and where is Persia and her poverty?" (391)

در این نمونه، مترجم توصیفی مبسوط از قیاس اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران و استانبول به متن می‌افزاید. ایران کشوری بی‌نظم و فلک‌زده تصویر می‌شود، یکی از توصیفاتی که از ایران قرن ۱۸ در داستان به دست داده شده، اما استانبول شهری تصویر شده عاری از فقر و فلاکت.

۲.۱.۵ حاجی‌بابا حرفه‌اش را عوض می‌کند:

خواستم روضه‌خوان و تعزیه‌گردان شوم، دیدم در این کار بی‌حیایی بیشتر لازم است. خواستم واعظ شوم، دیدم که احادیث و اخبار باید جعل کنم و عربی نمی‌دانستم. خواستم فالگیر شوم، فالگیر و رمال در مشهد از سگ بیشتر است و همان می‌خورند که مرغ خانگی می‌خورد. خواستم باز دلاک شوم دیدم که پابند می‌شوم و مشهد جای ماندن نیست. (۵۶-۵۵)

Still I might have followed my own profession, and have taken a shop; but I could not bear the thoughts of settling, particularly in so remote a town like Meshed. (47)

در نمونه دوم، افزوده‌های مترجم حکایت از نگاه تحقیرآمیز حاجی‌بابا نسبت به برخی پیشه‌های تقلب‌آمیز آن روزگار، از جمله روضه‌خوان و تعزیه‌گردان و واعظ دارد که از باورهای مذهبی مردم سوءاستفاده می‌کردند. شهر زیارتی مشهد از قدیم‌الایام مکانی مناسب برای فالگیرها و رمالان بوده است تا زائران ساده‌دل را سرکیسه کنند. افزوده‌های میرزا حبیب امکان قرائت سیاسی ترجمه را فراهم می‌کند.

۳.۱.۵ نظر حاجی‌بابا در باب نسقچی بودن خود:

چنان بی‌محابا چماق بر سر و مغز مردم می‌نواختم که نسقچیان می‌گفتند «عجب ولد الزنایی به زمره ما داخل شده». (۱۴۹)

I made use of my stick so freely upon the heads and backs of the crowd, that my brother executioners quite stared, and wondered what demon they had got amongst them. (16)

در نمونه پایانی، واژه انگلیسی demon (دیو/ زبل) به ولدالزنا ترجمه شده که در اصل صفتی عربی به معنی حرامزاده است. باآنکه مترجم می‌توانست این کلمه را تحت‌اللفظی ترجمه کند، احتمال دارد با انتخاب این معادل بر بار معنایی منفی آن چنان افزوده تا خواننده تمام تصوّرات بد خود را دربارهٔ مأموران دولتی در ذهن تداعی کند. او همچنین executioners (جلادان) را به نسقچیان ترجمه کرده که هرچند کم‌وبیش معادل پلیس امروزی است، در آن زمان خدم و حشم پادشاه را نیز در بر می‌گرفت. به جای back (پشت) در متن اصلی، در ترجمه از مغز استفاده شده است، بدین دلیل که استفاده از چماق برای تنبیه در ایران معمولاً در اشاره به سر و مغز آدم است.

۲.۵ توصیفات مطمئن و حذفیات

در نمونه ذیل حاجی‌بابا تصمیم گرفته مسلمانان واقعی باشد و لذا به سراغ ملای نادان رفته است. افزوده‌ها در متن فارسی پررنگ شده است.

اولاً بدانکه من عمادالاسلام و قدوه‌الانام، نخبه ملت حنیف و شرع شریف، انموذج دین محمدی و ملت محمدیم. اجتهادم بهمه جاری، و فتاوی و احکامم بهمه ساری است. شاربین خمر را حد میزنم: زانیان محصنه را رجم می‌کنم. در امر معروف و نهی از منکر و تالیف قلوب، و موعظه و خطابت، وحید و فریدم. حامی بیضه اسلام و راهنمای خواص و عوامم: آیت صائم النهار؛ معنی قائم اللیل. غسل و وضویم عبره للناظرین؛ و صوم و صلواتم اسوه للسایرین است. به حکم اجتهاد خود، از استعمال الات و آوانی مفضض و مطلا محترزم، و از اکتسای کسوه اقشمه و حریر مجتنب: مواظب تعبد، ملتزم تجهدم. از قلیان و انقیه متنفرم، و بازی نرد و گنجیفه و شطرنج و سایر ملاعب و ملاهی را منکر؛ چه این‌گونه مناهی و مکاره مضر آداب دیانت و مشتغل اوقات طاعت و عبادت است. پارهٔ اجامره و اوباش و رنود در باب تخفیف تکالیف روزه از قبیل تجویز قلیان کشیدن و مصطکی خائیدن از من استفتا نمودند؛ اما از من بجز جواب لا چیزی نشنوند. سرشان را با عصای لا شکستم که روزه خوردن (دور از جناب) گه خوردن است؛ و باید روزه را گرفت و نماز را کرد تا چشمتان کور شود. اگر شارع مقدس حکم فرموده بود که ملت افطار یک هفته باید باشد، هر آئینه اولین روزه‌گیر و آخرین روزه‌گشا من می‌بودم؛ و حاشا و کلا اگر دهان بلا و لعل می‌گشودم. (۳۳۰)

In short, I may be called a living Koran. None pray more regularly than I. No one goes to the bath more scrupulously, nor abstains more rigidly from everything that is counted unclean. You will find neither silk in my dress, nor

gold on my fingers. My ablutions are esteemed the most complete of any man's in the capital, and the mode of my abstersion the most in use. I neither smoke nor drink wine before men; neither do I play at chess, at gengifeh (cards), or any game which, as the law ordains, abstracts the mind from holy meditation. I am steemed the model of fasters; and during the Ramazan give no quarter to the many hungry fellows who come to me under various pretexts, to beg a remission of the strictness of the law. "No", do I say to them, "die rather than eat, or drink, or smoke. Do like me, who, rather than abate one title of the sacred ordinance, would manage to exist from *Jumah* to *Jumah* (Friday) without polluting my lips with unlawful food. (321)

ترجمه فارسی نمونه بارزی از زبان روحانیان عصر صفویه و قاجاریه و نیز سبک مصنوع نثر فارسی، یعنی پر از عبارات و مضامین عربی است. جدول (۲) مقایسه‌ای بین قسمت‌های انگلیسی و فارسی است. کلمه‌های ایرانیک در نسخه انگلیسی از متن فارسی حذف شده‌اند، در صورتی که بخش‌های پررنگ در متن فارسی افزوده مترجم است تا توصیفی مطمئن باشد از احکام اسلامی. برای نمونه، صفاتی که برای توصیف ملای نادان در سطر اول متن فارسی به کار رفته از این قرار است: عمادالاسلام، قدوة‌الانام، نخبه ملّت حنیف و شرع شریف، انموذج دین محمدی و ملّت محمدی. ملای نادان همچنین مجری حدود شرعی زانیان محصنه و شاربین خمر است. قسمت ۱ ترجمه نشده؛ قسمت ۴ تلویحاً در قسمت ۳ فارسی آمده است. حذفیات عبارت‌اند از: «در انگشتان من» (۶)، «شرب خمر در حضور مردان» (۸)، و «خیلی از هموعان گرسنه» (۱۱). در متن اصلی، نویسنده از به دست کردن انگشتر طلا سخن می‌گوید، اما مترجم آن را به استفاده از ظرف‌های طلا و نقره تعمیم می‌دهد. خمر حذف شده و انفیه جایگزین آن شده و فعل به متنفرم تبدیل شده است. مترجم در قسمت ۸ عبارت «خیلی از هموعان گرسنه» را به «پاره‌ای اجامره و اوباش و رنود» ترجمه کرده است. در قسمت ۳، عبارت انگلیسی صحبت از رفع حاجت می‌کند، در حالی که مترجم به غسل و وضو اشاره می‌کند.

جدول ۲. قسمت‌های انگلیسی و فارسی توصیف‌شده در ۲.۵

English	Persian
1. In short, I may be called a living Koran	—
2. None pray more regularly than I	قائم‌اللیل
3. No one goes to the bath more scrupulously	غسل و وضویم عبره لناظرین
4. nor abstains more rigidly from everything that is counted unclean	—
5. You will find neither silk in my dress	از اکتسای کسوه اقمشه و حریر مجتنب
6. nor gold on my fingers	از استعمال الات و آوائی مفضض و مطلا محتوزم
7. My ablutions are esteemed the most complete of any man's in the capital	غسل و وضویم عبره لناظرین
8. I neither smoke nor drink wine before men	از قلیان و انقیه متفرم
9. neither do I play at chess, at <i>gengifeh</i> (cards), or any game which, as the law ordains, abstracts the mind from holy meditation [italics original]	و بازی نرد و گنجیفه و شطرنج و سایر ملاعب و ملاهی را متکر چه این گونه مناهی و مکاره مضر آداب دینانت و مشتغل اوقات طاعت و عبادت است
10. I am esteemed the model of fasters	غسل و وضویم عبره لناظرین
11. and during the Ramazan give no quarter to the <i>many hungry fellows</i> who come to me under various pretexts, to beg a remission of the strictness of the law	پاره اجامره و اوپاش و رونود در باب تخفیف تکالیف روزه از قبیل تجویز قلیان کشیدن و مصطلکی خائیدن از من استغفا نمودند؛
12. "No", do say to them, "die rather than eat, or drink, or smoke. Do like me, who, rather than abate one title of the sacred ordinance, would manage to exist from <i>Jumah to Jumah</i> (Friday) without polluting my lips with unlawful food" [italics original].	اما از من بجز جواب لا چیزی نشنوفد، سرشان را با عصبای لاشکستم که روزه خوردن (دور از جناب) که خوردن است؛ و باید روزه را گرفت و نماز را کرد تا چشمشان کور شود. اگر شارع مقدس حکم فرموده بود که مدت افطار یک هفته باید باشد، هر آئینه اولین روزه گیر و آخرین روزه گشا من می بودم؛ و حاشا و کلا اگر دهان بلا و لعل میگشودم.

۶. بحث

بر مبنای نمونه‌های بالا می‌توان چند استنباط دربارهٔ میرزا و ترجمه‌اش از سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی به دست داد. اگرچه در بیتی که نقش فرامتن ترجمهٔ فارسی (۱۹۰۵) را دارد، آمده است که مترجم کوشیده تا به متن مبدأ وفادار بماند (ر.ک. مدرس صادقی ۱۳۷۹: ۱۵)، راهبردهای مختلف ترجمه حکایت از امری دیگر دارد. میرزای شاعر در مقدمه‌ای که بر ترجمه‌اش نوشته و بسیار از آن نقل شده است، به وضوح از بازتولید متن اصلی به فارسی سخن می‌گوید: «من نه این از جیب و انبان گفته‌ام / آنچه

را گوینده گفت، آن گفته‌ام.^۱ این حرف لزوماً به این معنی نیست که میرزا مترجمی استعماری (حسینی ۲۰۰۶) یا غیر دقیق (امامی ۱۳۷۲) است. حقیقت آن است که ترجمه او گاه چنان دقیق است که به گواهی چندین پژوهش، بی‌شک از حیث نثر، برتر از متن اصلی است (مدرّس صادقی ۱۳۷۹؛ کلباسی ۱۳۸۲؛ آذرننگ ۱۳۸۱).^۲ این منتقدان روی هم رفته مهارت‌های سبک‌شناختی مترجم و تسلط او را در بازتولید لحن مناسب برای شخصیت‌های مختلف تحسین می‌کنند.

با توجه به موقعیت میرزا در تبعید، معلوم است که کارکرد متن خارجی بر تعادل واژگانی پیشی گرفته است. به عبارت دیگر، میرزا در ترجمه روشی را برگزیده است که به او اجازه می‌دهد معنا را تقویت و فساد طبقه حاکم و فقر فراگیر و عوام‌فریبی مذهبی در ایران آن روزگار را تشدید کند. افزایش و کاهش، در روش ترجمه میرزا، دلایل سیاسی دارد و گمان می‌رود که میرزا با این کار امیدوار بوده تا خواننده ایرانی را علیه حکومت قاجار تحریک کند؛ هدفی که بی‌تردید به بار نشسته است: «میرزا حبیب متن حاجی‌بابا را در خدمت جدال خود علیه استبداد قاجاریان و جامعه ایران که در قید و بند سنت و محافظه‌کاری‌های خشک گرفتار مانده به کار گرفته است» (بالایی و کویی‌پرس ۴۱).

برخی از تحقیقاتی که در بالا به آنها اشاره شد (کلباسی ۱۳۸۲؛ نیز ر.ک. رضوی^۳ ۱۳۸۹) از راهبردهایی که به مترجم قدرت می‌بخشند، استقبال می‌کنند و آنها را همسو با اسلوب کهن ترجمه به فارسی می‌دانند؛ درحالی‌که برخی از محققان (کامشاد ۱۹۶۶؛ ناطق ۱۳۵۲؛ امامی ۱۳۷۲) نظری جز این دارند و به تعبیر هولز - مانتری^۴ (۱۹۸۱)، می‌توان گفت آنها شرایط زمانی و مکانی و عمل مترجم را در حین ترجمه در نظر

^۱ به استثنای شعرهای پراکنده‌ای که از میرزا به فارسی منتشر شده، نمونه‌ای از شعر وی به فرانسه با عنوان *خوان سپاس* در سال ۱۸۸۹، به مناسبت هشتمین همایش بین‌المللی شرق‌شناسان در استکهلم منتشر شد (ر.ک. مجله آینه ۱۳۵۹).

^۲ برای نمونه، زمانی که طبیب شاه اروپائیان را برای حاجی‌بابا توصیف می‌کند: صفحه ۹۳ نسخه اصلی، برابر با صفحه ۱۲۰ ترجمه فارسی. همچنین ر.ک. صفحات ۱۶۷/۱۴۴ و ۱۷۷/۲۰۳.

^۳ Razavi

^۴ Holz-Manttari

نمی‌گیرند. برای میرزا، مترجم در تبعید، انتخاب اسکوپوس^۱ سیاسی، احتمالاً تنها راهی بوده که از طریق آن می‌شده است حتی با وجود تهدید از جانب طبقه حاکم در ایران، دست به میانجیگری زد. این به معنی پشت پا زدن به اخلاق نیست، چراکه در آن زمان که میرزا در تبعید بود میانجیگری مقبول چیزی به جز سرسپردگی کامل به دولت حاکم نبود. میانجیگری او از جنس تبعید و آزادی‌بخش و در ضمن، سیال بود. اگرچه او هیچ‌وقت ترجمه منتشرشده‌اش را ندید و تا مدت‌ها کسی از او به نام مترجم سرگذشت حاجی بابای اصفهانی یاد نکرد، ترجمه و میانجیگری او مرزهای جغرافیایی و دانشگاهی را در هم نوردید. در اینجاست که نقش شیخ احمد، در مقام عامل ترجمه بین مرزی، ضرورت می‌یابد. به دلیل میانجیگری بین مرزی و پرمخاطره او بود که میانجیگری در تبعید میرزا به دیگر عامل ترجمه، یعنی فیلات، رسید. از قتل شیخ احمد در سال ۱۸۹۶ تا انتشار ترجمه سرگذشت حاجی بابای اصفهانی در سال ۱۹۰۵، از مرگ میرزا در سال ۱۸۹۳ تا احیای ترجمه او در سال‌های ۱۹۶۱-۱۹۶۶، میانجیگری سیال و چندبُعدی بوده است.

بحث‌های جاری درباره این ترجمه فارسی نشان می‌دهد که این ترجمه در ارائه الگوی ترجمه برای مترجمان بعدی ایرانی کامیاب بوده است. اگرچه این ترجمه روی هم‌رفته چندان به متن وفادار نیست، در آزاد کردن زبان فارسی از نثر مصنوع دوره قاجاریه آموزنده است و نشان می‌دهد که میرزا در ترجمه نه خواننده دربار قاجار و طبقه باسواد را، بلکه خوانندگان عام را مد نظر داشته است. وقتی مدرس صادقی (۱۳۷۹: ۴۰) ترجمه میرزا را «اولین رمانی که به زبان فارسی و به دست یک ایرانی نوشته شده» می‌نامد، چه بسا بر آن است تا میانجیگری مترجم را در به چالش کشیدن نثر مصنوع قاجار برجسته کند.^۲

ترجمه به اصطلاح غیردقیق میرزا ترجمه‌ای دیگر را که به غلط ترجمه پسااستعماری (حسینی ۲۰۰۶) خوانده شده و به ندرت به نقد کشیده شده است، به چالش می‌کشد. ترجمه دوباره افشار از رمان موریه نمونه‌ای است از ترجمه‌های به شدت تحت‌اللفظی

^۱ skopos

^۲ همچنین ر.ک. مصاحبه‌های مدرس صادقی (۱۳۷۹ و ۱۳۸۴) درباره تحقیقات وی بر روی نسخه دست‌نویس میرزا.

که طی دهه گذشته به سختی از آن انتقاد شده است (برای نمونه ر.ک. فرضیه لفظ‌گرایی در خزاعی فر^۱ /۱۳۷۹ /۲۰۰۰). اخیراً برخی از صاحب‌نظران ترجمه در ایران خواهان آن شده‌اند تا مترجمان نثر ملموس‌تر و روان‌تری را در ترجمه به کار برند و نثر میرزا مثالی است از این نثر. توجه به این موضوع در قالب بحث‌هایی تحت عنوان **نهیضت ترجمه** یا **سنت ترجمه** در ایران پی گرفته می‌شود. این بحث‌ها بدون بررسی ترجمه‌های موجود فاقد پشتوانه علمی است. اگر **سنت**، به معنی لغوی آن، «شیوه موروثی، تثبیت شده یا مرسوم تفکر، عمل، کردار یا رفتار» باشد (فرهنگ لغت وبستر)، ترجمه میرزا یکی از متون مهمی است که می‌توان با توجه به بُعد عمل، از آن در تحلیل سنت ترجمه کمک گرفت. تا زمانی که تاریخ جامع ترجمه معاصر در ایران نوشته نشده است (ر.ک. میثمی^۲ ۴۵) می‌توان با توجه به شبکه‌های گسترده موجود در دوره قاجار به مطالعاتی موردی درباره اولین ترجمه‌ها و عوامل آنها و بین‌فرهنگ‌ها دست زد تا به فهم بهتری از سنت ترجمه ایرانی نائل شد (ر.ک. کریمی حکاک^۳ ۲۰۰۱).

۷. نتیجه‌گیری

این مطالعه موردی به موضوع میانجیگری و عوامل ترجمه از منظر حرکت متون و افراد در فراسوی مرزهای جغرافیایی پرداخت و با تمرکز بر ترجمه و انتشار سرگذشت *حاجی بابای اصفهانی* به فارسی، کوشید تا میانجیگری مترجم فارسی و دو عامل دیگر ترجمه را بررسی کند. امید آن بود تا گامی فراتر از **گفتمان مسلط استعماری - شرق‌شناختی و تصورات انقلابی ضد استعماری حاکم** بر هر دو متن نهیم. در این مقاله همچنین از مجموعه پرباری از داده‌های تاریخی و تحلیل متنی سود بردیم.

در این مقاله نشان داده شد که مفهوم میانجیگری بسیار فراتر از مرزهای متنی و پیرامنی و برون‌متنی است و به دلایلی چند، این مفهوم می‌تواند به‌اشتباه به فرد دیگری نسبت داده شود. نیز نشان دادیم که برخلاف تصور نادرست از ماهیت تضعیف‌کننده تبعید، عوامل ترجمه می‌توانند به میانجیگری پردازند و آن را انتقال دهند و حتی نقل و

^۱ Khzaeefar

^۲ Meisami

^۳ Karimi-Hakkak

انتقالات بین فرهنگی را به مخاطره بیندازند. در این مطالعه موردی و با استناد به متن، نشان داده شد که چگونه میرزا در تبعید به میانجیگری در ترجمه دست زد و به پیشرفت سیاسی، بیش از الزامات وفاداری به متن خارجی، بها داد و با نوآوری بر سبک مصنوع نثر فارسی غالب شد و خوانندگانی فراتر از نخبگان را مد نظر قرار داد. ترجمه میرزا همچنین در نوشتن تاریخ سنت ترجمه در اوایل قرن بیستم در ایران به کار می‌آید. این تحقیق همچنین به ما اجازه داد تا با ارائه دو مفهوم عوامل ترجمه (میرزا و شیخ احمد) و میانجیگری سیال، از دو بُعد جدید به موضوع میانجیگری و حرکت تاریخی عوامل ترجمه در حوزه مطالعات ترجمه پردازیم. به عقیده نویسنده، استعاره میانجیگری سیال به ما کمک می‌کند تا پس از مرگ عوامل ترجمه بتوانیم تأثیر نمادین کارهای آنان را بهتر بسنجیم.

در این حوزه در چندین زمینه می‌توان به تحقیقات بیشتری دست زد؛ از جمله به منظور بررسی فعالیت‌های پراکنده عوامل ترجمه و راهبردهایی که آنها در حفظ بین فرهنگ‌های حرفه‌ای به کار برده‌اند، می‌توان به مطالعه موردی اسناد تاریخی موجود در انگلستان و ترکیه و ایران و هند پرداخت. به طرق مشابه، در قرن نوزدهم شبکه‌های مختلفی از عوامل ترجمه، با حامیان مختلف، در این کشورها وجود داشته که شایسته است کشف و طبقه‌بندی شوند. برای مثال نقش برجسته و کمتر به تحقیق درآمده سرگرد فیلات و انجمن آسیایی در کلکته هند، در تعاملات بین فرهنگی بین انگلستان و ایران و هند، و نقش او در مقام سانسورچی اصلی در قاهره و پورت سعید در اوایل قرن بیستم در مصر، زمینه تحقیقی غنی‌ای در مطالعات ترجمه است.^۱

سپاس

این تحقیق در مراحل ابتدایی در «سومین اجلاس سنت‌های ترجمه در آسیا»، ۲۲ تا ۲۴ اکتبر ۲۰۰۸، دانشگاه بوقازیچ ترکیه، ارائه شد. نویسنده مایل است سپاس خود را نسبت

^۱ در مقاله‌ای جداگانه، به نقش فیلات در مقام ویراستار چاپ ۱۹۰۵ پرداخته‌ایم (ر.ک. حدادیان مقدم و پیم ۲۰۱۳). علاوه بر این، نویسنده در حال نوشتن مقاله‌ای جداگانه درباره فیلات است.

به این افراد اعلام کند: کارکنان کتابخانه دانشگاه دالارنا^۱ در سوئد، به دلیل فراهم آوردن نسخه‌های نایاب کتاب‌های موریه و فیلات؛ آنتونی پیم، به دلیل علاقه‌اش به این تحقیق و تذکرات ارزشمندش؛ کریستین نورد^۲ که من را در آغاز این تحقیق راهنمایی می‌نمود؛ هدلی ساتن^۳ از کتابخانه بریتانیا، و کریستوفر دوکینز،^۴ مسئول بایگانی مدرسه فلستد^۵ در اسکس^۶ انگلستان، به دلیل اطلاعاتشان درباره فیلات؛ جعفر مدرس صادقی، به جهت ارسال صفحاتی از نسخه دست‌نویس میرزا و پاسخ به سئوالات من؛ و شائول بخاش^۷ و محمد یاحقی که نسخه‌ای از مقاله ناطق را برایم ارسال کردند.

پیوست

جدول ۳. مواردی که میرزا از نسخه انگلیسی و فرانسوی در ترجمه پیروی نمی‌کند

English	French	Persian
<i>Twenty years' industry</i> (13)	vingt années (39)	سی سال کاسبی [thirty years of business] (1)
<i>Peregrine Persic, London, 1st December, 1823</i> (12)	Peregrine Persie, Londres, le 1er décembre 1823 (xxxviii)	سیاح انگلیسی سنه 1828 [The English traveler, the year of 1828] (xviii)
<i>Rev. Dr. Fundgruben</i> (1)	Au révérend docteur Fundgruben (v)	سیاحی انگلیسی [an English traveler] (i)
<i>Our sacred history</i> (3)	notre histoire sacrée (xiii)	عبارت انجیل [an expression from the Bible] (19)

¹ Dalarna

² Christiane Nord

³ Hedly Sutton

⁴ Christopher Dawkins

⁵ Felsted School

⁶ Essex

⁷ Saul Bakhsh

منابع

- Afshar, Iraj. "Mirza Habibe Isfahani." *Yaghma*. 150 (1339/1960): 491-497.
- . "Asareh mirza habibe esfahani [The works of Mirza Habib Isfahani]." *Yaghma*. 178 (1342/1963): 80-82.
- Altick, Richard. "Introduction." In: James Morier. *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan*. London: Methuen & Random House, 1895/1954.
- Amanat, Abbas. *The Pivot of the Universe: Nasir al-Din Shah and the Iranian Monarchy, 1831-1896*. Berkeley: University of California Press, 1997.
- . "Hajji Baba of Isfahan." *Encyclopedia Iranica*. Accessed January 2011. <<http://www.iranica.com/articles/hajji-baba-of-ispahan>>
- Armaghan*. A Persian Journal. 2-3 (1308/1929): 110-120.
- Avery, Peter, Gavin Hambly, Charles Melville (eds.). *The Cambridge History of Iran, volume 7, from Nadir Shah to the Islamic Republic*. New York: Cambridge University Press, 1991.
- Ayandeh*. A Persian Journal. 6(3/4), (1359/1980): 299-303.
- Azarang, Abdolhosein. "Mirza Habib va hajji babayeh Isfahani [Mirza Habib and Hajji Baba Isfahani]." *Bokhara* 27 (1381/2002): 34-52.
- Balay, Christophe and Michel Cuypers. *Aux sources de la nouvelle Persane*. Paris: Recherche sur les civilisations, 1983.
- Berk Albachten, Özlem. "Exile as translation and transformation in early Republican Turkey." *Translation Studies* 3/2 (2010): 132-148.
- Blackwood's Edinburgh Magazine*. "Hajji Baba of Ispahan." LXXXIV (1824): 51.
- Browne, Edward. "Introduction." In: James Morier. *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan*. London: Methuen, 1895.
- . *The Persian Revolution: 1905-1909*. Cambridge: Cambridge University Press, 1910.
- . *A Literary History of Persia: from Firdawsi to Sadi*. Vol. 4. London: Curzon, 1924.
- . *The Persian Revolution: 1905-1909*. Cambridge: Cambridge University Press, 1995.
- Bryman, Alan. *Social Research Methods*. 3th edition. Oxford: Oxford University Press, 2008.
- Curzon, George. "Introduction." In: James Morier. *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan*. London: Macmillan, 1895.
- Demircioğlu, Cemal. "Translating Europe: The Case of Ahmad Midhat as an Ottoman agent of Translation." In: J. Milton and P. Bandia. 2009 (eds.). *Translation Agents*. Amsterdam and Philadelphia: Benjamins, 2009.
- Emami, Karim. *Az past va bolandeh tarjomeh [From up and down of translation]*. Tehran: Niloofar, 1372/1993.
- Emami, Goli. "Sargozashteh jil belas santilani [The story of Gil Blas de Santillane]." *Negahehno*. 43 (1387/2008).
- Fitzgerald, Edward. *The Rubaiyat of Omar Khayyam*. Edinburgh and London: T. N. Foulis, 1852.

- Ghanoonparvar, Mohammad. "Introduction." In: S.M. Jamalzadeh. (ed.). *Sargozasht-e Haji Baba-ye Isfahani [The Adventures of Hajji Baba of Isfahan]*. Costa Mesa: Mazda Publishers, 1996.
- Grabbar H. Terry. "Fact and Fiction: Morier's Hajji Baba." *Texas Studies in Literature and Language*. 11 (1969): 1223-1236.
- Haddadian-Moghaddam, Esmaeil. *Agency in the Translation and Production of Novels from English in Modern Iran*. Doctoral thesis. Tarragona: Intercultural Studies Group, 2012.
- Haddadian-Moghaddam, Esmaeil and Anthony Pym. "Voice in the Persian Hajji Baba." In: *La traduction des voix intra-textuelles/Intratextual Voices in Translation*. (eds.) Kristiina Taivalkoski-Shilov and Myriam Suchet. Montréal: Éditions québécoises de l'oeuvre, collection Vita Traductiva, 2013: 235-254.
- Heydari, Ali. "Barresi bazi ekhtelafhayeh Kalile wa Dimnah Nasrollah Monshi ba tarjomeh arabi Ebn Moqaffa va dastanhayeh bidpay va panja kiyaneh [An analysis of some of the differences of Nasrollah Monshi's *Kalile wa Dimnah* with Ebn Moqaffa's Arabic translation and Bidpay stories and Pañcatantra]." *Faslnameh elmi pazhuheshi olumeh ensani daneshgahe azahra* 17/18(68-69), (1386-1387/2007): 45-62.
- Hosseini, Mohammad Reza. *A Comparative Study of Translation at Colonial and Post-colonial Periods in Iran: a Corpus-based Study*. Unpublished Master's thesis. Tehran: Allameh Tabataba'i University, 2006.
- Hölz-Mänttari, Justa. "Übersetzen-Theoretischer Ansatz und Konsequenzen für die Ausbildung." *Kääntäjä/Översättaren* 24 (1981): 2-3.
- Jamalzadeh, Mohammaali (ed.). *Sargozashteh haji babayeh Isfahani [The Adventures of Hajji Baba of Isfahan]*. James Morier. Tehran: Amirkabir. 2nd edition (1996). Costa Mesa: Mazda Publishers, 1348/1969.
- . "Hajji Babyeh Esfehani [part 1] [Hajji Baba Isfahani]." *Ayandeh* 9 (3/4), (1362/1983): 253-257.
- . "Hajji Baba dallak zadeyeh esfahani. Bakhsh-e dovvom [Hajji Baba, the barber son of Isfahan]." *Ayandeh* 11(9/10), (1364/1985): 670-674.
- Jennings, Richard. "Introduction." In: James Morier. *The Adventures of Hajji Baba of Isfahan*. London: Creeset, 1949.
- Johnston, Henry McKenzie. *Ottoman and Persian Odysseys: James Morier, Creator of Hajji Baba of Isfahan, and his Brothers*. London: British Academic Press, 1998.
- Kalbasi, Mohammad. "Isfahani isfahani va sonnateh tarjomeh irani [Isfahani and the Iranian translation tradition]." *Zenderoud* 27 (1382/2003): 37-69.
- Kamshad, Hassan. *Modern Persian Prose*. Cambridge: Cambridge University Press, 1966.
- . "Tarjomeh pas az bazneshastegi. Goftogo ba Hasan Kamshad" [Translation after retirement: an interview with Hasan Kamshad]. (2010). Accessed December 2010.
- <http://www.bbc.co.uk/persian/arts/2010/08/100803_111_kamshad_iv.shtml>
- Karimi-Hakkak, Ahmad. "Persian Tradition." In: M. Baker (ed.). *Routledge Encyclopedia of Translation*. London and New York: Routledge, 2001.
- Keddie, Nikkie R. "Afghani, Jamal-al-din." *Encyclopædia Iranica*. (1983). Accessed January 2011.
- <<http://www.iranica.com/articles/afgani-jamal-al-din>>

- Keddie, Nikkie R. *Modern Iran: Roots and Results of Revolution*. New Heaven and London: Yale University Press, 2006.
- Khazaefar, Ali. "vazeyate tarjomeh adabi dar iran [The situation of literary translation in Iran]." A. Khazaefar (ed.). *Majmueh maghalate nakhostin hamayeshe tarjomeh adabi dar iran* [The Proceedings of the First Literary Translation Conference in Iran]. Mashhad: Banafsheh (2000): 5-11.
- Koskinen, Kaisa, and Tuija Kinnunen. "Introduction." Tuija Kinnunen and Kaisa Koskinen (eds.). *Translators' Agency*. Tampere: Tampere University Press, (2010): 4-10.
- <<http://tampub.uta.fi/tup/978-951-44-8082-9.pdf>>
- Lockhart, Laurence. "Persia as seen by the West." In: A.J. Arberry (ed.). *The Legacy of Persia*. Oxford: Clarendon Press, 1964.
- Meisami, Julie. "Iran." In: R. Ostle (ed.). *Modern Literature in Near and Middle East (1850-1970)*. London and New York: Routledge, 1991.
- Milton, John, Paul Bandia (eds.). *Translation Agents*. Amsterdam and Philadelphia: Benjamins, 2009.
- Minavi, Mojtaba. "Hajji Baba va Muriyih [Hajji Baba and Morier]." In: Mojtaba Minavi (ed.). *Panzdah Gofar*. Tehran: Toos, 1367/1967.
- Modarreseh Sadeghi, Jafar (ed.). *Sarguzasht-I Hajji Baba-yi Isfahani*. [Persian translation of The Adventures of Hajji Baba of Ispahan]. Tehran: Markaz, 1379/2000a.
- . "Gotogoo ba Jafar Modarreseh Sadeghi. Sargozasht Hajji Babayeh Isfahani va dastan nevisi emruz [An interview with Jafar Modarreseh Sadeghi. The story of Hajji Baba Isfahani and today's writing short stories]." *Ketabeh mah adabiyat va falsafeh* 33 (1379/2000b): 68-73.
- . "Goftogooyeh Kiyomarseh Poorahmad ba Jafar Modarreseh Sadeghi darbareyeh Hajji Baba Isfahani: tarjomei ke faghat yek tarjomeh nist [An interview between Kiyomarseh Poorahmad and Jafar Modarreseh Sadeghi on Hajji Baba Isfahani: A translation that is more than a translation]." *Haft* 19 (1384/2005): 26-31.
- Moussa-Mahmoud, Fatma. "Orientals in Picaresque." *Cairo Studies in English*. (1961/1962): 157-188.
- Morier, James. *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan*. London: John Murray, 1824a.
- . *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan*. Persian translation by Mehdi Afshar. 1376/1997. *Hajji Babayeh isfahani*. Tehran: Elmi, 1824b.
- . *Hajji Baba, traduit de l' anglais par le traducteur des romans de Sir Walter Scott* . French translation by Auguste Jean-Baptiste Defauconpret, 4 volumes. Paris: Haut-Coeur et Gayet, 1824c.
- . *The Adventures of Hajji Baba in England*. 2 volumes. London: John Murray, 1828.
- . *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan*. London: Macmillan, 1902.
- . *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan*. Translated from English into Persian by Haji Shaikh Ahmad Kermani and edited with notes by D. C. Phillott. Calcutta: Asiatic Society of Bengal, 1905.
- Nateq, Homa. "Hajji Morier va qaziyeh istimar [Hajji Morier and the story of colonialism]." *Alefba* 4 (1353/1974): 22-49.
- Nabavi, Negin. "Journalism in Iran: Qajar period." *Encyclopædia Iranica*, 2009. Accessed January 2011.

- <<http://www.iranica.com/articles/journalism-i-qajar-period>>
- Parker, Saliha. "Turkish Tradition." In: M. Baker (ed.). *Routledge Encyclopedia of Translation*. London and New York: Routledge, 1998.
- Paloposki, Outi. "Limits of freedom: Agency, choice and constraints in the work of the translator." In: John Milton and Paul Bandia (eds.). *Translation Agents*. Amsterdam and Philadelphia: Benjamins, 2009: 189-208.
- Phillott, Douglas Craven (ed.). "Introduction." In: James Morier. *The Adventures of Hajji Baba of Ispahan*. Translated from English into Persian by Haji Shaikh Ahmad Kermani and edited with notes by D. C. Phillott. Calcutta: Asiatic Society of Bengal, 1905.
- Pym, Anthony, Miriam Shlesinger and Zuzana Jettmarová (eds.). *Sociocultural Aspects of Translating and Interpreting*. Amsterdam and Philadelphia: Benjamins, 2006.
- Pym, Anthony. "Humanizing Translation History." *Hermes- Journal of Language and Communication Studies* 42 (2009): 23-48.
- . *Exploring Translation Theories*. London & New York: Routledge, 2010.
- Rastegar, Kamran. "The Unexpected Gift: The Adventures of Hajji Baba Ispahani as a Transactional Text between English and Persian Literatures." *Middle Eastern Literatures* 10(3), (2007): 251-271.
- Razavi, Masoud. "Tavalodeh romane irani: darbareh Isfahani va tarjomeh Gil Blas [The birth of Iranian novel: On Isfahani and the translation of Gil Blas]." *Ettelaateh Hekmat va Marefat* 5(1), (1389/2010): 68-70.
- Saadat Noori, Mohammad. "Sepahsalarha: Mirza Mohammad Khan Sepahsalar." *Yaghma* no. 214 (1345/1966): 77-81.
- Sanjabi, Maryam B. "Mardum-Guriz: An Early Persian Translation of Moliere's Le Misanthrope." *International Journal of Middle East Studies* 30(2), (1998): 251-270.
- Scott, Walter & Ioan M. Williams. *Sir Walter Scott on Novelists and Fiction*. London: Routledge & K. Paul, 1968.
- Shuttleworth, Mark, and Moira Cowie. *Dictionary of Translation Studies*. Manchester: St. Jerome, 1997.
- Skyes, Percy Molesworth. *Ten Thousand Miles in Persia or Eight Years in Iran*. London: John Murray, 1902.
- Stanley, Tim. "After Müstakim-Zadeh." In: Doris Behrens-Abouseif and Stephen Vernoit (eds.). *Islamic Art in the 19th Century: Tradition, Innovation, and Eclecticism*. Leiden: Brill Academic, 2006.
- Webster Online Dictionary*. Accessed March 2011.
- <<http://www.merriam-webster.com/>>
- Weitzman, Arthur J. "Who was Hajji Baba." *Notes and Queries* 17 (1970): 177-178.
- Williams, Jenny and Andrew Chesterman. *The Map: A Beginner's Guide to Doing Research in Translation Studies*. Manchester: St. Jerome, 2002.
- Wolf, Michaela, and Alexandra Fukari (eds.). *Constructing a Sociology of Translating*. Amsterdam and Philadelphia: Benjamins, 2007.
- Wolf, Michaela. "Sociology of translation." In: Y. Gambier, and L. Van. Doorslaer (eds.). *Handbook of Translation Studies*. Amsterdam & Philadelphia: Benjamins, 2010.
- Yazici, Tahsin. "Habib esfahani." 2002. Accessed March 2011
- <<http://www.iranica.com/articles/habib-esfahani>>